

جنبش ۲۴

درباره دادگاه خلق دولت

دولت آقای بختیار را اعلام می‌کند در صدد تعقیب و محاکمه، و اسد ان و حنا بنکاران بزرگ برآمده است. در اطراف این محاکمات اوضاع و احوالی بخود شکل می‌گیرد که خواستاران اجرای واقعی عدالت را دچار نومیدی و حسرت می‌کند: نخستین اشباه در دولت نظامی رخ داد که متهمان راه همراه با حق طلبانی که در حواس رفیع ظلم و از گونی بنیان شکنجی را داشتند، به استناد ماده ۵ قانون حکومت نظامی توقیف کردند و دوست و دشمن را به هم آمیختند. امروز سبزشنیده می‌شود که دولت در بی تشکیل یک دادگاه ملی است تا متهمان راه دادرسان منتخب سازمان های ملی بسیار و از همه محبت تر اینکه نخست وزیر اعلام می‌کند که درباره جمعیت از آنان رای اعدام صادر می‌شود.

دعوا بر سر چیست؟

در این روزها عکس العمل های افراطی ناشی از تعبیرهای اغراق گونه از ضوابط اسلامی موجب بروز نگرانی هایی شده است که احتیاج مبرمی به بررسی و مطالعه دارد. نخست آنکه چه کسانی به خود اجازه می‌دهند که ضوابط اخلاقی اسلامی را در حیطه قشری ترین مظاهر ناشی از فقدان شناسائی اصول اسلامی به مردم تحمیل کنند؟ دوم آنکه چه کسانی و بر چه مبنائی فروریختن یک نظام استبدادی را مرادف با استقرار یک نظام استبدادی دیگر میدانند؟

در مسئله اول همه رهبران ائم از روحانی و سیاسی باید این حقیقت را بدانند که اولاً هیچ رسم و سنتی را نمیتوان و نباید به زور به مردم تحمیل کرد، مگر رسومی را که اساساً به نهضت مردم ایران لطمه میزند. اینکه در تظاهرات عمومی زنها در کنار مردها راه نروند، و یا اینکه در کوچه و خیابان زنها باید حتماً "جادو رو روستری سرکنند" این قبیل اعمال در حد تظاهر و شایعه، گویانکه از اساس هیچ رابطه ای با روح اسلام ندارد و بزرگترین عامل لطمه و ضریب به یکپارچگی و وحدت مردم ایران است. هر ذره ن ساده و کودکانه ای این حقیقت را میفهمد که تظاهر به اینگونه اعمال نتیجه اش به سود عمال مرتجع و فاسد رژیم است که هدفی جز ایجاد تفرقه و نگرانی و وحشت در بین مردم و فرسوده کردن اعصاب آنها از طریق تشدید نگرانی های مردم ندارد.

در هنگامی که رژیم عمال خود را بصورت جناق دار در شهرهای ایران به جان مردم میاندازد و هدف اصلی گسترش وحشت و نگرانی در مردم و خسته کردن آنها از ادامه مقاومت است تظاهر به این اعمال کودکانه بنام اسلام از سوی هر فرد و یا هر گروه خیانتی مسلم و آشکار به نهضت سراسری مردم ایران است.

همانطور که میدانیم جامعه روحانیت نیز مثل سایر گروهها هیچگاه در برابر استبداد و اعمال وحشیانه آن یکپارچه نبوده است، کسانی که با شناسائی روح واقعی اسلام و

اس گونه اعمال نهضت بزرگ ملت را آلوده می‌سازد و دولت نمایی، برای تضمین قدرت خود بفرورفتن آتش خشم مردم، افکار عمومی را به بازی بگیرد و در تجاوز به اصول حقوقی و اخلاقی افراط کند. ملت ایران برای استوار ساختن همین اصول و اعتراض به خودسری های حکومت بی‌خاسته است. اکنون خشمگین و داغدار و تن آلوده است و از هر گونه شکنجی و وحشونت استقبال می‌کند، لیکن

بقیه در صفحه ۴

راه پیمایی مردم

محاسنه ای سهل و ساده نشان می‌دهد که جمعیتی بیش از دو میلیون و پانصد هزار نفر دعوت روحانسون، گروهها و احزاب سیاسی را پاسخ گفتند و با شرکت خود در تظاهرات جمعه ۲۹ دی ماه خواسته های مردم را به نحو شکوهمندی بازگو کردند. در صبح زود موج مردم بود که از شمال و جنوب و از ناو و بناختر تهران به سوی خیابان شاهرضا سرازیر می‌شد و این سیل جمعیت که به سوی بستر اصلی راه پیمایی در حرکت بود تا به جمعیت اصلی پیوندد بیش از ۵ ساعت ادامه یافت و اگر زمان تظاهرات و بازگشت مردم را به خانه ها - نشان در نظر بگیریم شاید از ۱۱ ساعت بگذرد. شعارها، گفته ها و فریادهای مردم همه حاکی از عصبان علیه ظلم و تشنگی عدالت و دموکراسی بود. مردم به بهترین وجهی نشان دادند که برای اجرای حق و عدالت تا کجا و تا چه حد آمادگی دارند.

در شرایط نا مساعد هوای جمعه و راهی

بقیه در صفحه ۳

کاروانی که بود بدرقه اش دست خدا...



دعوا بر سر چیست؟

در سالهای اخیر مبارزه با رژیم را بر گردیدند هرگز در این روزهای حساس هدف خود را متوجه اینگونه تظاهرات عوامانه نمیکنند و کسانی که لطمه سالهای اختناق و وحشت ساکت بودند و با سازشکاری و محافظه کاری هیچگاه خود را در خطر مقابله با رژیم قرار نمیدادند هرگز حق ندارند بنام اسلام فتوا بدهند و برای مردم راه و رسم زندگی تعیین کنند و با رعایت سنت های اسلامی موجب نگرانی مردم شوند .

اما افراد و گروههایی که اینگونه تظاهرات را وسیله اظهار نگرانی در جهت ایجاد یک سیستم استبدادی تازه قرار میدهند آنها نیز یکپارچه نیستند .

افراد در عالم مطبوعات و در سایر سازمانها هستند که در تمام سالهای اختناق در زیر نظام سانسور و در جهت شیوه های سیاسی و اقتصادی رژیم قلم زدند و از منابع مالی رژیم به انواع وسائل استفاده کردند و هرگز خود را با اعتراض و یا اعتراض از همکاری در معرض خطر قرار ندادند و امروز برای عقب نماندن از قافله در اظهار نگرانی و تظاهرات انقلابی پیشتاز شده اند ، اما هرگز به این سؤال جواب نمیدهند که شما کسسه از طلا یا یک دیکتاتوری ناآمده و ناشناخته نگران شده اید، چگونه بیست و پنج سال دیکتاتوری گذشته و موجود را تحمل کردید و حتی در مسیر همکاری با آن لااقل تا حد خاموش بودن و قلم فرارداشتید ؟

آیا کوشش در ایجاد تفاهم بوسیله اجتناب از چپ رویهای کاذب برای گریز از دیکتاتوری موجود لازمتر و ضروری تر است یا اظهار نگرانی با تظاهرات افراطی به بهانه اجتناب از دیکتاتوری تصویری که هنوز کسی حضور آنرا لمس نکرده است ؟

آیا این آقایان که همه در اعماق منطق علمی قرار دارند این واقعیت را احساس نمیکنند که هنوز در سطح و عمق نظام استبدادی چیزی تغییر نکرده است و هنوز مردم فاصله زیادی با قدرت دارند، و هنوز قدرت در دست عوامل ارتجاعی رژیم است و در صورت بهمین علت منطق علمی و ادبیات انقلابی هر نهضت واقعی حکم میکند و حکایت میکند از ضرورت اتحاد و اجتناب از چپ رویهای کودکانه ؟

آیا هنوز احساس نمیکنیم که طرحهای رژیم برای درهم کوبیدن مقاومت مردم ایران بنحوی بیرحمانه ادامه دارد .

اعمال فشار اقتصادی از طریق ایجاد کمبودهای مصنوعی برای خفه کردن مردم دست زدن به حمله ها و ویرانها بوسیله مزدوران خود به قصد ایجاد وحشت و ارباب در بین مردم و گسترش ناامنی از طریق حمله جماعی دارها و تجاوز به جان و مال مردم در شهرها .

دست زدن به جنگ روانی با رواج شایعات مختلف از قبیل مسموم کردن آب آشامیدنی در شهرها برای فرسوده کردن اعصاب مردم و ازبای در آوردن مقاومت آنها .

استفاده از تبلیغات و تظاهرات افراطی برای ایجاد تفرقه و خصومت بین مردم و روزه رو قرار دادن آنها با هم و ترساندن طبقات مرفه و متوسط الحال و محافل خارجی با این توجیه که ایران به سوی یک تروریسم و شورش کور و سرانجام به استقرار نظام کمونیستی زیر سلطه شوروی پیش میرود ؟

و آیا با دادن زدن به این اعمال و تبلیغات راه برای وارد کردن یک ضربه و توجیه آن جهت جلوگیری از ناامنی و برقراری نظم و خودداری از سقوط ایران در دام کمونیستها باز نمیشود ؟

آیا فراموش کرده ایم که این راه در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با وجود همین تفرقه ها و با کمک همین تبلیغات تجربه شد و به موفقیت انجامید و مدت ۲۵ سال مردم ما را در زیر سلطه نظام استبدادی و اختناق مطلق فرورد ؟

ما همه افراد و گروههای مذهبی و سیاسی را به بررسی این مسائل و توجه به شرایط بسیار حساس کنونی فرامیخوانیم و از آنها میخواهیم که این واقعیت را دریابند که نخستین وظیفه ما حفظ نهضت از طریق اتحاد و خودداری از طرح مسائلی است که در وضع حاضر جز ضربه زدن به نهضت و ایجاد خصومت و نگرانی در بین مردم و در نتیجه کمک به آنچه که رژیم و حامیان بیگانه آن طالبند نتیجه دیگری ندارد . نه بنام اسلام باید مسائلی را بر مردم تحمیل کرد که هیچ رابطه ای با روح اسلام ندارد و نه بنام مارکسیزم باید به شعارها و تظاهراتی متوسل شد که با هیچ منطقی نمیتوان آنرا با وضع بحرانی و حساس کنونی نهضت مردم ایران توجیه نمود .

در این روزهای حساس و سرنوشت ساز هیچ عاملی جز اتحاد و برادری و همبستگی و همبستگی و روشن بینی نمیتواند نیروی مقاومت ما را در برابر توطئه های گوناگون رژیم حفظ و تقویت نماید .

درباره دادگاه ...

آنان که سودای رهبری در سردارند ، اگر از این حالت اضطراری بهره برداری کنند ، هدف این حبس سیاسی و مذهبی را از یاد برده اند . ملت ایران برای آقامه عدلیه خاسته است و سعی خواهد داشت سلاح های آلوده و با مردمی نادمشمنان خودستیز کند . از دولت می خواهد که وسائل تعقیب و محاکمه سریع غارتگران و آدمکشان حرفه ای را فراهم آورد . ولی انتظار ندارد که رئیس دولت از پیش برای آنان مجازات تعیین کند .

ما سعی خواهیم آنان که از دور دستی بر آتش دارند ، چنین بیدارند که دولتی بر سر کار آمد و به اقتضای دگرگونی سیاست ، زمانداران پیشین را به زور و سبب میان زمین افکند و قتل از دادرسی به اعدام محکوم کرد . چنین شیوه ای را ملت آگاه و رهبران مذهبی و سیاسی آن مردود می دانند . مردم خواهان آنند که عدالت اجرا شود و حسابان بدرستی بداند که چه سرآستان گذشته است ؛ فریادها چگونه خاموش گشته اند و اموال عمومی چه آستان به تاراج رفته است . این داوری تاریخ است و نباید مزه از هرگونه شائبه سیاسی باشد .

تب اغفلات اکنون در اوج غلبان است ؛ ملت و از گویی همه سازمانهای فاسد و ناپردی شکنجه جان حرفه ای را می خواهد و نواب انتظار ندارد . ولی این راهم با بدبختی داشت که همچنان هر روزی فرو می نشیند و آنگاه جامعه نیاز به اصولی را احساس می کند که در بنه آن سرسبز ؛ در راه اسد برارش صدا کاری کند و به نام آن به ارزشی رفنا را هبیرنارد و در برابر ظلم اسدای می کند . این اصول را در بحرابی ترین روزها ، میزبانان هم رحمت که در کرم صله ای برای شناسایی حواریان باقی نماند . وانگهی ، دولتی که در بنه اسدای پیشین حکومت به قدرت می رسد ، سعی یواند خود را دولتی انقلابی بداند و بدین سهانه آن خرد را در راه می بندد بر گون سازد . پس ، تنها خدمتی که چنین دولتی می تواند انجام دهد این است که به مردم راست بگوید ، وعده های فرسوده و عمامشی بدهد و در حفظ اصول نکوشد و آنها را در خدمت خود نگذرد .

در دنیای متعفن کنونی ، بطلع خطر از نوع حکومت و اخلاق و مذهب آن ، قوه قضائیه به عنوان یکی از ارکان اصلی حکومت شناخته شده است . یکی از نشانه های حکومت قانون در هر جامعه ، بالا رفتن ارزش اخلاقی و استقلال دانشگاه های آن کشور است و نخستین علامت حکومت زور و اسدای بانواختن قوه قضائیه است . بنابراین ، بهبود یا انقراض نیست که در کشور ما قوه قضائیه تا این اندازه مورد طعن و تحقیر قرار گرفته است ، دولت ها قاعده ، مربوط به صلاح عام و احصاری دادگاه های دادگستری را وارو ساخته اند و اکنون صلاحیت و اعتبار راه ای از محاکم اختصاصی به مراتب بیش از دادگستری است . همه دیدیم که در دولت سابق می در شهر آمل ، متهمان را چگونه نیروی ارتش از دادسرا ربودند و ضابطان دادگستری ، حتی از خاموش کردن حریق که جان رئیس دادگستری دزفول و خانواده او را تهدید می کرد ، امتناع ورزیدند و حتی ، واقعی میان حکومت قانون و سلطه زور همه حادثه می شد . این حکم هنوز هم ادامه دارد و یکی از معیارهای داوری مردم درباره دولت کنونی این است که در کدامیک از این دو حبه موضع بگیرد ؛ به قدرتمندی بود یا به تقویت دادگستری شمار برسد .

تشکیل "دادگاه طبق" یا "دادگاه ملی" و عنوانی های فریبنده ، دیگری از اس قلم ، اگر تزویر و ریا نشاند ، سنگان اقدامی تا بخته و عمامشی است که در جهت ناتوان ساختن حکومت قانون و قوه قضائیه انجام می گیرد . نخست وزیر حقوقدان است و بخوبی می داند که تمبر حق را با بدبختی داران حرفه ای آن سپرد ، مردم عادی ساده تر فریب می خورند و

راه‌یمنانی...

حداقل سن ۱۵ تا ۱۵ کیلومتر را خاسته‌ها...
بچه‌های کوچک و مردان مسنی با سوه‌های خود
بموده بودند تا در نظرات شرکت داشته
باشند تا به صدای روحانیون و احزاب
آزادخواه جواب مثبت دهند. این حرکت
خلف‌پاشانه تمامی عمیق به دردم کوبی
انهدام رژیم نیست؟ واگر نیست چگونه باید
ملتی خواسته‌های خود را نشان دهد و بگوید که
چه حکومتی را می‌خواهد؟ و کدام رژیم را تحمل
می‌کند؟

فراندمی به این با شکرهی و عظمت
نظرخواهی به این وسعت، مبین ما از دیرباز
به یاد ندارد.

وقتی فقط دریا تحت ۲/۵ تا ۳ میلیون
جمعیت یکصد استعماری نمایندگان مجلس را
می‌خواهند خاشی برای تعارض باقی نمی‌ماند.
وقتی که چنین سبیل خروشان از مردم، از
مردها و از زنها همه در یک خواسته و در یک
شعار واحد که ما بدر رژیم عوض شود، باید
عوامل مزدوری که از راه سازمان‌های نظامی
و امنیتی به مرکز فاشونگداری به کرسیهای
وزارت و ریاست و به پشت میزهای قوه، قضا
رسیده‌اند، کنار بروند دیگرهای شک و
تردیدی برای کسی با بقای بماند؟

دقت کنیم و منصف باشیم. قانون اساسی،
قوانین قضایی و اداری همه و همه از این
مردم و از اراده آنها پدید آمده است، همه
با بداعتکاس خواسته‌های آنها باشد و این
همچو اعتباری در حد این خواسته‌ها که
روزها، ماهها و سالها گفته و تکرار شده، شکل
گرفته و در این جمعه به نظر گرداشته شده بود،
خواهند داشت.

اگر به آزادی عقیده ایمان دارید. اگر
برای افکار مردم ارزشی قائلید و اگر به
اصالت حکومت مردم‌مردم معترفید به این
فرزاده‌های رسا که دلنشین آن تا کیلومترها بخش
می‌شد کردن نهاد مردم را در تشکیل حکومتشان
مخبر و آزاد بگذارید و از مخالفت و لجاجت با
خواسته‌های آنها دست بردارید. کشورهای

درباره دادگاه...

آسان تره راه احساس قدم می‌نهند. دادرسان
نمناز توده مردم هستند و از همان احساس پاک
دیگران برخوردارند، با این تفاوت که
آموخته اند چگونه با بداعتکاس الهام گرفت
و به راهنمایی خردگام برداشت. اینسان
و حدانی حساس تر از دیگران دارند و زندگی
اجتماعی به آنان آموخته است که با چه
شوه‌ای ندای این وجدان را در لباس اجرای
قانون ارائه کنند. به همین دلیل است که
در هیچ شریعتی امر قضا، نه ویژه در امور مهم
به مردم عادی سپرده نشده است و در قضا ما میهم
که در واقع الهام بخش و راهنمای نهضت
کنونی است، تا این اندازه در تعیین شرایط
قاضی سختگیری و دقت می‌شود.

از اینها گذشته، دادگستری تحقیر
شده، استبداد با آن همه ظلم‌ها که بر آن رفته
است، استحقاق این را دارد که جان دوباره
گیرد و دادخواهی از کسانیکه را که موجود این
وضع بوده اند خود عقیده را شود. پس، اگر
دولت، چنانکه در برنامه، خود ادعا دارد،
به واقع در صدد احیای دادگستری و تأمین
استقلال قوه قضائیه است، باید آسیایی
فراهم آورد تا اجرای عدالت ملی نیز در همین
دستگاه تحقق پذیرد و دادگاه اختصاصی دیگری
برای تضعیف آن نیافریند. همچنین، دولتی
که مدعی است قصد دارد قانون اساسی را اجرا
کند، نباید مرجعی را که سند ۲ از اصل ۲۷
متمم قانون اساسی مرجع انحطاطی تمیز حق
در امور عرفی اعلام می‌کند و اصل هفتاد و یکم
درباره صلاحیت آن مقرر می‌دارد:

"دیوان عدالت عظمی و محاکم عدلیه
مرجع رسمی نظامات عمومی هستند..."
از رسالت خود با زدا رد و مردم را به دادگاه خلق
دلخوش کند.

امیرکبیر و...

فرهنگی استعمار آمریکا، انحصار طلبی و
سوءاستفاده در کارکنانهای درسی و شرکت با
والاحضرت اشرف برای پیشرفت انحصار طلبی
در کارکنان و فرهنگ مکتوب کشور پیش کشیده
شود و بیرونده، اعمال سانسور و استعمار
نویسندگان و شاعران و مترجمان و کارگزاران
فرهنگی رسیدگی شود که کسی وجه سوءستفاده
همه، این کارها مستقیماً دست داشته است؟

بعضی سرمایه‌داران چاق شده و زائده‌های
دوران اختناق تا دیروز با چاپ عکسهای قدو
سبعقدشاه و خاندان سلطنت مشت‌ها را بگره
می‌کردند و برده‌ها حق و حقیقت می‌گوفیند و
امروز ساده لوحانه بارندانه همان روش را در
این سوی جریان به کار گرفته‌اند، غافل از
اینکه حسخ مردم ایران یک حسخ انقلابی
است و به هر حال در راه تغییر بنیادهای
اجتماعی پیش می‌رود.

نگاه امیرکبیرها باید دانست که
حضرت آیت اله خمینی و باران ایشان ملتی
که طرفدار ایشان است نه راضی هستند و نه

استعماری که رفاه و آسایش مردم خود را در
اسارت و سردگی ملل ضعیف، حسخ می‌کنند
اعتبار احترام به خواسته‌های مردم خود باید
به اراده و خواسته مردم کشور ما نیز احترام
بگذارند و در غیر این صورت با از دست رفتن
اعتبار و نفوذ خود در جدهائی و نمائی آن
مواجه خواهند بود.

ما با ردگره با خاسته‌ایم، تا خواسته‌های
انقلاب مشروطیت و قیام‌های بی‌آمد آرزو
عمل بیوشانیم ما با خاسته‌ایم تا جلوی
عارتگری و حناول ثروت این مردم محروم
بوسله، استعمارگران و عاملین مزدور آنها
را بگیریم.

ما به خاسته‌ایم که از آزادی و دموکراسی
بهره‌گیریم و کشور به غارت رفته خود را باز
سازیم و با بسط آزادی و عمیق‌ساختن نهادهای
اصلی آن بایه‌های یک حکومت دموکراسی را
در کشور استعمار زده مان محکم کنیم.
اینها خواسته‌های مردم در نظرات
جمعه ۲۹ دیماه بود فریاد آنقدر رسا بود،
شعار آنقدر واضح بود که جای هیچگونه ابهام
و شکی باقی نمی‌گذارد.

بازتابی این حسخ شگرف در خارج
مرزها بمان آنقدر خواهد بود که ملت‌های
کشورهای بزرگ، کشورهای صاحب منافع در
ایران درک حقیقی آن را بنمایند.

خلاصه آن که ما می‌خواهیم ما بدانتها در
ساختن کشورمان، در پی‌ریزی ساختمان
اجتماعی عیمان و شکل حکومتان آزاد باشیم
ما می‌خواهیم که اگر حیوانانمان به آنچه که در
کشورشان می‌گذرد اعتراض می‌کنند بیخاطرا از
عقیده زجر نکشند. در سید و در سول‌های بزدان
شکسته شوند و به مرگ محکوم، گردند ما می‌خواهیم
مانند ملت‌های آزاد در بیان، در نوشته، و در
اعتمادمان آزاد باشیم و بس آزادی در
تابعیت از امثال دولت‌آنها نباشد.

ما می‌خواهیم خود کشورمان را بسازیم و
با سعه خودمان، با توجه سنت و فرهنگمان
نه با سلقه مشاوران امریکائی آنهم پس از
خدمت در ویتنام. نه به وسیله، مشاورانی که
آزادی و مساوات بین مردم را در فلسطین نشان
داده‌اند!؟

همه این خواسته‌ها در قطعنامه پایان
راه‌یمنانی عظیم‌تهران آمده بود. در تهران
تنها نه، در تمام سطح مملکت، در تمامی
شهرهای آن در همه دهات و قصبه‌ها، بوسیله
همه جوانها همه پیران، تمام مردها، همه زن‌ها،
بوسیله، ملت بوسیله قاطبه مردم که
اراده‌شان شکل دهند حکومت است، که
خواسته‌هایشان عامل تعیین کننده در تعیین
راه آینده کشور است.

در مقابل این تجلی خواسته‌های ملت
باید سر تعظیم فرود آورد. باید راه را گشود
تا نمایندگان واقعی مردم خواسته‌های ملت
را اعمال کنند.

احازه خواهند داد که عوامل فساد با همان
شوه‌های دیکتاتوریند حرکت انقلابی مردم
را از درون به فساد بکشانند. در این مبارزه
به تنها کارکنان امیرکبیر پیروز خواهند شد
بلکه دیری نخواهد پاید که حساب سوا سبق
دستگاه‌هایی که فرهنگ کشور را وسیله، سوء -
استفاده قرار داده اند رسیدگی خواهد شد.

چه باید کرد؟

به تفرقه و تضعیف ما خواهد انجامید.
ما باید برای افرادی که شور مبارزه و
پیروزیهای اولیه آنان را مغرور کرده است
روشن کنیم که مبارزات ملت ایران در جهت
محور رژیم دیکتاتوری و آثار آن است و نه در
جهت حکومتی که از اراز عقیده گروهها و افراد
و نظیرست طوکبری کند. مبارزات ملت ما
در جهت استقرار نظام عادلانه، توزیع ثروت
است نه در جهت نظام فقهرائی ارباب و رعیت
با استثمای فرزند از فرزند. مبارزات ملت ما در
جهت استقرار حکومتی است که از طریق مراجع
به آرا عمومی و انتخابات آزاد، امور مملکت
را اداره کند.

در چنین حکومت نظامی کلیه افراد
ملت از تمامی حقوق خود برخوردار خواهند
بود.

در چنین حکومتی که از معنویت اسلام
ملهم خواهد بود و مورد تأیید روحانیت ترقی-
خواه و مبارز اسلام خواهد بود حقوق کلیه فرزندان
راستین این آب و خاک، محترم خواهد بود.

وظیفه ما ست که برای نکات تکیه کنیم
دست دوستی بطرف کلیه نیروهای مبارز این
ملت که به هزینه ثروتی لازمال خلقهای ما
وابستگی دیگری ندارند در از کنیم

در جهت روشنگری برادران ارتشی خود
بکوشیم که آنها سر بردانند که مبارزات ملت
ایران در جهت غرور ملی و بازگرداندن شخصیت
و هویت ملی آنان است. که آنان بدانند که
ملت ایران افراد شرافتمند ارتش ملی خود
را عزیز می‌دارد و آنها است که بدون آنان
تمامیت ارضی و استقلال مملکت ما غیر ممکن
است ولی مبارزات ملت ایران در جهت محو
آثار رژیم است که به ما موران خارجی حق
توحش می‌پردازد و به یک استوار امریکائی‌ها
بر اسربک سرهنگ، ایرانی حقوق می‌دهد و از
طریق امضای قراردادها می‌تواند عمل
کاپیتولاسیون را به ایران بازمی‌گرداند.

باید بکوشیم تا پرده از توطئه‌های رژیم
برداریم.

رژیم در چند جهت مقدمات توطئه بزرگ
خود را فراهم می‌کند. از راه بوجود آوردن
کمبودهای مواد غذایی و مواد مصرفی کوشش
می‌کند که مردم مبارز ما را خسته کند. با بایوجود
آوردن هرج و مرج و ناامنی و نغمه‌های شوم
تخریب طلبی در شهرستانهای ایران کوشش می‌کند
که در مردم ایجاد رعب و وحشت کند، از عنوان
کردن خطر کمونیسم تلاش می‌کند که در صفوف
داخلی تفرقه بیندازد و سیاستهای سودجوی
جهانی را به پشتیبانی خود و آغازد.

بکوشیم در کلیه زمینه‌ها نقشه‌های شوم
رژیم استبدادی را نقش بر آب کنیم.

بکوشیم در پشت سر رهبران مذهبی و ملی
صفوف خود را فشرده ترک کنیم و از هر شرا تفرقه
انداز بپرهیزیم.

پیروزی از آن ملت مبارزه و با ایمان
و آگاه ما است.

تصحیح یک اشتباه

در یکی از شماره‌های جنبش فهرست
کسانیکه طبق اعلامیه، کارکنان بانک مرکزی
از ایران ارز خارج کرده بودند منتشر شد در
آن فهرست اسم کوچک دکترها و ندی به اشتباه
دکتر اردشیرها و ندی نوشته شده بود. دکتر
اردشیرها و ندی از پزشکان پاکدامن و با
فضیلت است و از اینکه نام کوچک ایشان به
اشتباه در فهرست چاپ شده، ما آمده است
پیروزش می‌طلبیم.

چه باید کرد؟

سخنرانی دکتر ابراهیم خوشنویس در

سازمان ملی پزشکان ایران

امدواری به این که جنبش عظیم و یکپارچه خلق میارزما تا سرحدیروزی یعنی تا مجوآثار رزمی که ملت ایران برای نابودی آن یکپارچه به پا خواسته است تحت رهبری حضرت آیت اله خمینی ادامه یابد و ما بنگران بودم از آنچه در روزهای گذشته دیدیم و شنیدیم و خواندیم.

بیشترین نگرانی برای ما از اختلاف و تشتت در صفوفی است که یکپارچگی آن ضامن پیروزی است.

امروز زمان جدالهای ایدئولوژیکی نیست. امروز روزی نیست که نیروی ماصرف حننی کردن تلاشهای یکدیگر شود. امروز روزی نیست که مادر باره نحوه فلان حکومت و جزئیات قوانین آن یا در باره فلان رژیم خارجی و خصوصیات آن به بحث بنشینیم و صفوف خود را از هم جدا کنیم و از دشمن، از دشمنی که کلیه اهرمهای قدرت را هنوز بدست دارد و هر روز توطئه ای تازه سازی میکند غافل بمانیم.

نگرانی من از این است که به اهمیت نبرد های سر و دست سازی که هنوز در پیش داریم، آنطور که باید و نشاید توجه نکنیم و بر سر عناشی که به دست نیامده ما یکدیگر به ستیز برخیزیم و به وحدتی که لازمه پیروزی است صدمه بزنیم.

نگرانی من از این است که با ناصحیح عنوان کردن مطالب خود را در مسیر انحرافی قرار دهیم این انحراف در جهت نهضت بزرگ مردم گناهی است عظیم و از طرف هر فردی هر گروه مطرح شونده تفرقه می انجامد و دور نمای آزادی واقعی و استقلال ملی ما را به تاخیر و تعویق می اندازد.

نگرانی من از این است و هنگامی که به مطرح کردن جزئیات می پردازیم، دشمن که هنوز از بسیاری از امکانات برخوردار است، با حادثه آفرینی و توطئه های حساب شده ملت ما را به خستگی و تفرقه و بی تفاوتی می کشاند.

آگاهی از این نگرانیهاست که وظیفه ای بسیار خطیر در برابر روشنفکران قرار می دهد. وظیفه، ما روشنگری هم میهنان ما است در جهت تشکل و وحدت صفوف و آگاه کردن سایر قشرهای ملت که هنوز به صفوف ما نپیوسته اند نه ایجا در عت و وحشت که حدال و ستیزه طبیعتا

دکتر ابراهیم خوشنویس طبیب جراح و استاد دانشگاه تهران را کسانیکه از سالهای پیش از کودتای ۱۳۳۲ با مبارزات ملی مردم ایران آشنایی دارند، به خوبی می شناسند.

دکتر خوشنویس برخی از مسائلمروز انقلاب ایران را در سخنرانی صبح روز یکشنبه سیام دیماه خود که به دعوت سازمان ملی پزشکان و دندانپزشکان ایران در بیمارستان سینا انجام شد، مطرح کرده است که در زیر می بینید.

بنام خدای بزرگ و توانا

دیشب که پس از راه پیمایی عظیم و هماهنگ دیروز از یازدهم جمع بندی آنچه طی چند ماه اخیر بر ما و مردم ما گذشته است و آنچه در این روزها می گذرد و آنچه احتمالا پیش آمده ای آید، نزدیک است پرداختم.

مجموعه، درک و احساس ما را از این سه مرحله در سه کلمه می توانم خلاصه کنم: شادی - امید - نگرانی.

شادی به این علت که پس از سالها مبارزه بالاخره ملت ایران در اولین نبرد خود پیروز شد و شاه رفت. ولی به چه قیمتی: به قیمت خون هزاران شهید و مجروح از والاترین مجاهدان و مبارزان و با ایمان ترین زنان و مردان و جوانان ملت ایران.

شاد بودم از این نظر که عاقبت مردم ایران ست را شکستند و آگاه شدند که در سایه، مبارزه و اتحاد می توان پیروز شد و این شروع حرکتی خواهد بود در جهت باز یافتن هویت و شخصیت ملی ما و در راه استقرار حکومتی آزاد و مستقل بر پایه سنن ملی و مذهبی ما.

امیدوار بودم از این نظر که صفوف عظیم و فشرده، راه پیمایی دیروز حکایت از خستگی ناپذیری ملت ایران داشت که در این مبارزه طولانی همچنان به پیش خواهد رفت. امیدواری از این که دیروز وحدت تحلی بیشتری داشت. وحدت کلام و وحدت شعار در پشت سر رهبری که تا کنون در راه نمایی هایش و در دستور العمل هایش کوچکترین نقطه، اسهام و اشتباهی دیده نشده، رهبری که در بیدایش - تشکلو رهبری جنبش امروز ملت ایران بزرگترین سهم و قاعده ترین نقش را دارد.

امیر کبیر و ایران

بنگاه مذبوحاتی امیر کبیر آیا فرهنگ کشور را وسله، سوء استفاده قرار نداده است؟

نزدیک پنجاه نفر از کارکنان گروه تولید امیر کبیر شکایت می برند که چاپ و انتشار تصویر حضرت آیت اله خمینی برای نوحه اخراج بی دلیل آنان از کار بوده است و آقای عبدالرحیم جعفری مدیر امیر کبیر در روزنامه های ۲۴ دیماه پاسخ می دهد: اینان نه مترجم بوده اند و نه نویسنده، از یکیشان نخواهد یک صفحه از گلدستان یا کلیله و دمنه یا تاریخ سیهی را که روانترین نثرهای ادبیات فارسی هستند... برایتان بدون غلط بخوانند تا نتیجه لا اقل معلوم شود.

از آقای عبدالرحیم جعفری باید پرسید که خودشان می توانند یک صفحه از آن کتابها را که نام برده اند بدون غلط بخوانند؟ یا اگر این پنجاه نفر نمی توانستند بخوانند چرا استخدامشان کردی که امروز مثل سرمایه داران قرن نوزدهم استدلال کنی چون اینان تمام هفته، اول دیماه را بجای کار، طسه برای اعتصاب تشکیل می دادند "آنانسرا اخراج کرده ام؟ - مگر اعتصابات به دستور امام خمینی نبوده و مگر حرم کارکنان اخراجی تو جز اجرای دستوراتشان بوده است؟

صاحب بنگاه امیر کبیر از آن دسته سرمایه دارانی است که تصور می کند بویا ملت ایران اینهمه مبارزه کرده است و اینهمه محرومیت کشیده است و اینهمه کشته داده است که فقط ظواهر قضایا را تغییر می دهد و با تغییرات بنیادی میانه ای ندارد. اشتباه اینگونه مردمی که به سرمایه، خود تکیه زده اند اینست که همان دارند در هر سیستمی می توان با روشهای تبلیغاتی معمول منافع کاسکارانه را حفظ کرد و با همان روش پیشین به بندوبست و بیا اعمال کردن حقوق دیگران ادامه داد.

بنگاه امیر کبیر سرمایه، عظیم خود را از چه راههایی بدست آورده است؟ اگر روزی پرونده، بنگاه انتشاراتی فرانکلین زائده

بقیه در صفحه ۳



بقیه در صفحه ۳